پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره چهارم سال دوم دوشنبه ۲۵ حمل ۴۸ـ ۱۴، اپریل ٦۹، شماره مسلسل ۵٦

فرکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق

به‌شیوهٔ کار ولسی جرگه و پالیسی حکومت در زمینه اخذ قرضه

ازکشور های سرمایه داری اعتراض کرد

درین اواخر در جلسات ولسی جرگه قرار داد های مربوط‌به قرضه های خارجی‌کشور های سرمایه داری مطرح‌بحث قرار گرفت که فرکسیون پارلمانی دموکراتیك خلق افغانستان طبق مصالح عالیه ملی واصول‌مرامی خویش ،موضعگیری وطنپرستانه ایرادر زمینه اتخاذ کرد .

ببرك کار مل (وکیل‌شهر کابل) به نمایندگی از فرکسیون پارلمانی ما، درینخصوص بیانیهٔ فی‌المجلس ایراد کرد واظهار داشت :

ما (فرکسیون‌پارلمانی‌دموکراتیك خلق افغانستان) اعتراض خود را نسبت به روش کار مجلس‌در بارهٔ تشخیص قرضه های خارجی وهمچنان نسبت به‌پالیسی‌حکومت‌ها در زمینه اخذ قرضه های‌نامساعد کشورهای سرمایه‌داری‌ابرازمیداریم.

ما معتقدیم که باید مجلس جهت مطالعهٔ قرضه های خارجی برای خود مقیاسی ملی داشته باشد .به‌اینمعنی که باید قرضه های مختلف خارجی اعم از کشور های سوسیالیستی وسرمایه داری طوری مورد مطالعه قرارگیرد ، تا دیده شود که‌کدام قرضه ها از لحاظ شرایط ربح ،زمان وشکل تادیهٔ اصل وفرع قرضه مساعد می باشد و مفیدیت اقتصادی آنها به کدام پیمانه است . بدینجهت بایدقرضه‌های مساعد کشور صلحدوست را اساس و مقیاس قرار دهیم .

عجیب است که مجلس قرضه‌های مساعد طویل المدت باربح کم ومساعد ترین شرایط را که مفیدیت اقتصادی دارد واز لحاظ ساختمان بنیانی جامعه ، رشد اقتصادی‌وایجاد اقتصاد ملی کاملا مفید وثمر بخش است ، توأم باشك وتردید تائید میکند . ولی قرضه های‌نامساعد کشور های‌سرمایه داری‌راکه محتوی ربح زیاد ، زمان کوتاه تادیه ، شرایط سنگین و غیر اقتصادی میباشد، باسرعت تصویب‌مینماید .

ما بار ها با دلایل علمی و روی‌حقایق وارقام ، چه در داخل مجلس وچه در جریده (پرچم) ثابت کرده ایم که کمك های کشور های سرمایه داری اعم از امریکا ، آلمان غرب وجاپان وغیره خصوصیت امپریالیستی ونو استعماری دارد که باید مجلس مطابق به مصالح عالیه ملی وتامین استقلال اقتصادی ، آنها رارد کند.

درست است که افغانستان‌کنونی بدون کمك های مساعد اقتصادی وتخنیکی خارجی قادر نیست شرایط رشد سریع اقتصادی کشورراتدارك به بیند ، ولی این اصل بدینمعنی نیست که حکومت منابع داخلی وثروتهای طبیعی کشور را بکار نیندازد و همیشه به اصطلاح زیر بهانه سیاست بیطرفی، قرضه‌های اسارت آور نامساعد وغیر اقتصادی را از کشور های سرمایه داری بپذیرد . تعصب رابایدکنار گذاشت ومصالح ملی و رشد اقتصادی را مقیاس قضاوت قرار داد . بفرمائید تمام حقایق وارقام مربوط به کمك‌های خارجی رابه استناد پرنسیپهای

(ص۲)

دستگیر پنجشیری

۴۰۰ تار از بر و ۴۰۰ تار از

درازی میزنند

اخیراً رادیو افغانستان خبری رانشر کرد که رئیس شرکت نساجی‌افغان مورد پرسش یکی از انجمن‌های ولسی جرگه قرار گرفت.هرچندبه صورت مشخص فهمیده شده‌نتوانست که کدام نیرنگ‌سهمداران نساجی مورد توجه ولسی جرگه‌بوده است ، اما آنچه که با منافع‌مردم درین زمینه مستقیماً ارتباط میگیرد و اصولا باید در رأس مطالب مورد توجه جدی و پرسش ولسی جرگه قرار میگرفت ، موضوع بلند رفتن قیمت تکه های تولیدی‌فابریکات نساجی آن شرکت میباشد .

ما پیرامون موضوع تولیدات‌نساجی حقایقی چند رامستند به معلومات و تجارب یکی از کارگران پر سابقه فابریکه نساجی پلخمری که بیش از ۲۵ سال عمر خود را در راه تولید سپری نموده است، ارائه میداریم .

ممکن است دلیل روشن و منطق به‌اصطلاح‌درخشان (!) گردانندگان دستگاه نساجی و سهمداران بزرگ آن در مورد بلند رفتن قیمت صحن‌کوره و دیگرتکه های رنگه، این‌بهانه نادرست خواهد بود که گویا مزد کارگران بلند رفته، وقت‌کار روزانه از ۱۲ به ۸ ساعت پائین آمده وقیمت پخته هم افزایش یافته است وغیره.

هر گاه این همه نظرات و دلایل دستگاه نساجی منطبق به واقعیت وصحیح باشد ،مصارف بزرگ‌اداری و تشریفاتی، بخششی ها وسوء اداره را نیز در حساب بگیریم، بازهم تا جائیکه یك محاسبهٔ کوچك نشان میدهد ، در وضع موجود یك کیلو گرام پختهٔ سورت اول با مصارف کرایه ، کسرات وغیره برای‌فابریکه نساجی پلخمری‌بیشتراز ۳۰ـ افغانی تمام نخواهد شد وهشت متر صحن کوره از یك کیلو گرام پخته تولید میگردد که قیمت آن ۵۸ـ افغانی میشود . با در نظر گرفتن این امر که فابریکه نساجی پلخمری مصرف استهلاك ندارد ، هر گاه تمام‌مصارف وارد ونا وارد دیگر را در نظرگیریم، باز هم مفاد خالص هنگفتی به جیب سهمداران بزرگ میریزد .

طوریکه به ملاحظه میرسد قیمت تمام شد صحن کوره تولیدی‌فابریکه نساجی پلخمری که به صورت ساده و رنگه مورد مصرف مردم عامهٔ مردم می باشد ، در شرایط موجود نیز پائین و برای سهمداران آن سود آور میباشد .

طبعاً از سالیان متوالی به اینطرف که قیمت مواد خام ، سطح مزد و معاش وغیره مصارف خیلی نازل بود اما قیمت های فروش در همین‌حدود فعلی قرار داشت چه سود های بزرگی به‌جیب‌کار فرمایان‌وسهمداران نساجی که نریخته است .

بهر صورت درمورد تکه های‌گران قیمت نساجی باید توضیح کرد که نساجی افغان منافع مستهلکین و مولدین خود را قطعاً در نظر نگرفته و نمیگیرد و اکنون تکه های رنگه و راه دار نخی خود را به قیمت خیلی گرانتر از تولیدات سایر دستگاه‌های کوچك بافندگی به فروش میرساند .

(ص ۲)

م ، ا خیبر

مشترك درد او مشترك ملی

او دموکراتیك هدفونه ګډ عمل غواړی

په ډیره خواشینۍ سره وینو چه‌دځینو داخلی او خارجی عواملو له‌کبله زموږ دهیواد په عمومی نهضت کی ستر او بی ساری فکری هرج‌او مرج موجود دی چه داوسنیوځینوسیاسی ډلو په وجود کی یی‌خطرناکه بڼه غوره کړیده .که چیری ژرترژه‌ددغه ویرونکی او تباکونکی هرج‌اومرج مخه ونه نیوله شی ډیری خطرناکی نتیجی به ورکړی ، دخلوېښتو کلو پخوا پیښی به په لافجیع او درد ناك ډول بیا تکرارشی.

دهیواد ټول هیواد پالونکی او آزادی‌غوښتونکی قوتونه باید دی ته‌ملتفت شی چه اوسنی‌نفاق اوافتراق دعمومی نهضت مرام ته ډیر زیان اوتاوان رسوی ، ارتجاعی قوتونه‌پیاوړی‌کوی‌او دارتجاع اوامپریالیزم بلی ګړی حملی ته زمینه برابروی .ملی ضد قواوی فعالیت اوداستبداددغه منطق ته چه وایی « ولس لا هم دی ته چمتو نه دی چه خپلی چاری‌په خپل لاس کی واخلی » قوت‌ورکوی .

موږ‌ یدی پوهیږو‌او بایدپوه‌شو چه‌دنهضت په اوسنی (ملی او دموکراتیکه) مرحله کی چه‌فیوډالزم او دزاړه استعمار نور بقایا زموږدخلکوداجتماعی ، اقتصادی،سیاسی‌او کلتوری ژوند په ټولو اړخونو باندی تسلط لری او دنوی استعماراقتصادی ، سیاسی او ثقافتی نفوذزموږ دملت د ژوندانه په ټولو ساحو کی مخ‌په زیاتیدو اوخپریدودی ، هیڅ قوت او هیڅ‌ګوند یاسیاسی ډله که څه هم ډیره پیاوړی او غښتلی وی نشی کولای چه په ځانګړی ډول دافغانستان دخلکو عمومی پرابلمونه او مشکلات حل کاندی ، نهضت وړاندی بوزی او دارتجاع دحملی مخه ونیسی .

دملی او دموکراتیکو مسألو حل دنهضت په دوام او بقا پوری‌تړلی دی . دنهضت بقا او ادامه ایجابوی چه دارتجاع(داخلی‌وی‌که‌بین‌المللی) او امپریالیزم دتسلط او نفوذ په مقابل کی کلکه مبارزه وشی.نوپدغه اساس ټول ملی او دموکراتیك قوتونه که سیاسی هدف لرلی‌شی اوکولای شی‌چه دیو واحد پروګرام، واحد انقلابی عمل او خط مشی په بنیاد یو له بل سره متحد شی اوپه شریکه سره دخپل هیواد دملی او دموکراتیکو پرابلمونو دحل په‌لاره کی همکاری سره وکړی او یو دبل له تجربو او نظریاتو څخه استفاده وکاندی . او خپل ستراتیژیك هدف ته درسیدلو دپاره لاره جوړه‌کړی. ددغه اصل په بناده چه «په اوسنیو شرایطو کی د دموکراسی دتحقق دپاره مبارزه ، زموږ دسیاسی خط مشی په سرکی واقع ده او دملی او دموکراتیك کیفی تحول هدفونو ته درسیدلو دپاره دغه تر ټولوغوره او تر ټولو صحیح لار بولو».

موږ خپل هیواد پیژنو ، موږ‌خپل اجتماعی شرایط په نظرکی لرو. موږ ته دنهضت، دخپل هیواد، د خپل ولس‌ګټی‌ترهرګوندی اوایدیولوژیکی منفعت نه غوره او محترمی دی. موږ دهمدی درك په بنا په صراحت سره وایو چه هر هغه ملی اودموکراتیك قوت ، ټول هیواد پالونکی اوآزادی غوښتونکی عناصر ، ډلی او قوتونه چه په دغه اصل ایمان لری او خپل احساسات او تصمیمات دملت او خلکو تصمیم او اراده نه‌ګڼی ، باید اجازه ور نکړی چه دهیواد او خلکو دښمنان دنهضت له اوسنی افتراق او نفاق څخه لا نوره ګټه واخلی او د خپلو شوم اغراضو دوړاندی بیولو لپاره نور هم دغه اورته لمن ووهی او په دغه صورت نهضت ته تاوان ورسوی او دخپلی بقا اوتسلط دپاره زمینه برابره کړی .

موږ یو ځل بیا وایو چه که دافغانستان مبارز اوترقی‌غوښتونکی عناصر او قوتونه په دغی حساسی مرحلی کی ، خپله هوښیاری ونه ساتی او دوخت نزاکت‌او د خطر نږدیوالی او د وظیفی د روندوالی درك نکړی او که چیری موږ ټول د خپلو نظریاتو ، غوښتنو او ګټو داختلاف باوجود د «مشترك درد» او مشترکو ملی او دموکراتیکو

(دوهم مخ)

زنگ خطر برای اهالی شهر کهنه کابل

در هفتهٔ گذشته خبر تاسف آور سقوط خانه‌ئی در گذر بارانه کابل به اطلاع خوانندگان ارجمند پرچم رسانیده شد .انهدام این خانه که در اثر نفوذ آب خندق بارانه صورت گرفته ، زنگ خطر یست برای تمام باشندگان این منطقه‌از ناحیه‌وجود خندق مزبور ، که‌روزتاروز به عرض وطول، تعفن و گندگی ، مکروب ـ پروری ومرگزائی آن افزوده میشود. این حادثه ناگوار مردم شریف این گوشهٔ از نظر افتاده شهر را شدیداً تکان داده وفریاد اعتراض آنانراعلیه اولیای امور بلند کرده است.چنانکه عده‌ئی از مسکونین گذر بارانه ضمن تماس با نمایندهٔ پرچم اظهار داشتند :

ـ از دیر زمانی وجود خانه های ریخته و شکسته و نزدیك به‌سقوط ووجود خندقهای پر از کثافات حیات ما را تهدید میکند . مقامات‌مسوول ښاروالی کابل که بغیر از تحصیل محصول صفائی به هیچ چیزی توجه ندارند ، از یکطرف باوجود مراجعات مکرر ما کوچکترین اعتنائی باین امر حیاتی مردم نمیکنند واز جانب دیگر وقتی ما خود میخواهیم به ترمیم و اعمار مجدد منازل در حال سقوط بپردازیم ، بدلیل اینکه این منطقهٔ شهر «تحت نقشه (!)» است ، مانع کار مان می شوند .

ـ آبهای گندیده که در خندقهای گرد و نواح منازل مان به صورت روز افزونی متراکم می شود،مرکز نموی لاروای ملاریا و انواع مکروب‌های کشنده است که مخصوصاً در تابستانها حیات هزاران نفر از ساکنان محل و کودکان معصوم مارا تهدید میکند وچون‌آبرو های اساسی برای خانه ها وجود ندارد ، آبهای فاصله منازل و مستراحها نیز به کثافت ،تعفن و گندگی آن‌می‌افزاید. طرفه ترانیکه آب چاههای حمام

(ص ٤)

شکست در پیمان اتلانتیك شمالی

بعد از فرانسه‌کانادا دومین‌کشور عضو پیمان اتلانتیك شمالی است که بر نقش خود درین پیمان‌تجدید نظر مینماید . حکومت کانادا تحفه‌ئی که بمناسبت بیستمین سالگرد تاسیس ناتو به پیمان مذکور تقدیم کرد این بود که حکومت مذکور می خواهد قوای نظامی خودرا در پیمان ناتو تقلیل بخشد. این‌اعلان حکومت کانادا سر وصدای زیادی را در مطبوعات« اتلانتیك» بوجود آورده است . سهم گیری نظامی کانادا در پیمان ناتو یك موضوع بی اهمیت است .

نیروی کانادا در اروپا صرف مرکب از یك فرقه هوائی ویك غند میکانیزه میباشد . ولی در درجه اول ، اهمیت اشتراك یك کشور را در پیمان اتلانتیك شمالی ملاحظات سیاسی تعیین میکند ،نه تعداد فرقه های‌آن‌در پیمان . ثانیاً، گرچه نیروی نظامی کانادا در آلمان غرب بسیار محدود و کوچك است ،ولی نقش آن در پیمان اتلانتیك شمالی بااکثر دول عضوء غیرقابل مقایسه میباشد .

بالاخره کانادا در تصمیم خود در مورد تجدید نظربرنقش آن‌کشور درناتو به تدابیر مشخص دست زده وبه تجربه فرانسه در اینمورد اتکا نموده است .

این یك پدیده مجزا نیست ، بلکه نماینده دیگری از یك تمایل جدی ویك گرایش عمومی در داخل دسته بندی مذکور میباشد .

اعلان ترودو صدر اعظم کانادا در آستان جشن سالگرد ناتو تصادف محض نیست . زیرا بیستمین سالگرد ناتو در عین زمان تاریخ بسر رسیدن موعد پیمان ناتو میباشد . چند ماه بعد ناتو بیست ساله می شود و هر کشور عضو شکلا حق خواهد داشت،اگرخواسته باشدپیمان اتلانتیك‌شمالی‌را ترك‌گوید.

روزنامهٔ «دیلی میرر» می نویسد که تصمیم کانادا دیگر کشور ها را تشویق خواهد کرد تا به تصامیم مشابهی دست‌زنند .روزنامه دیلی‌تلگراف بعد از ذکر نواقص پیمان مینویسدکه شاید دیگرکشور هانیز این راه‌راتعقیب‌کنند. دلیل‌آشکاریکه درپس پرده این حرکات موجود میباشد ، عبارت از تقلیل بودجه‌های نظامی و«وظایفی» است‌که متخصصین نظامی ناتو برکشور های عضو تحمیل می نمایند . روز نامه «سن» نگاشته است :کشور های دیگر یکه ازکانادا پیروی خواهند نمودعبارت‌اند از ناروی، ترکیه ، ایسلیند ، دنمارك ، هالند وبلژیك .ولی اگر چنین باشد درناتوکی باقی خواهد ماند؟ طبعاًایالات متحده‌امریکا، برتانیه وجمهوریت فدرال المان، واین‌همان سه قدرتیست که‌پیمان مذکور برآنها استوار است .

کشور های یونان وپرتگال‌هردو در زیر پاشنه دکتاتوری‌های‌ارتجاعی بسر می‌برند، ایتالیا ولوکزامبورگ نیم بلاك را تشکیل نمیدهند .

از آنرو جای تعجب نیست که فیصله کانادا باعث پیشانی ترشی واشنگتن گردیده است . رهبران امریکائی ناتو سخت می کوشند تا جلو عام شدن عمل کانادا را بگیرند . دربن عکس‌العمل‌حتی‌شدید تر بود . در اینجا فیصله کانادا «بی وقت» ومبهم خوانده شده است و ترودو صدر اعظم کانادا به میراث ضد اتلانتیك متهم گردیده است .

در مدت بیست سالیکه امریکا این سیستم نظامی را به منفعت‌خود بوجود آورده ، بطور جبران‌ناپذیری بی اعتبار گردیده است . این‌جریان که اکنون در ناتودر حال پیشرفت است، دیگر کنترول شده نمیتواند.

عکس العمل نمایندهٔ جبهه

آزادی ملی ویتنام جنوبی درپاریس

نماینده رسمی هیأت جبههٔ آزادی ملی ویتنام جنوبی بتاریخ ۷ اپریل عکس العمل هیأت نمایندگی جبههٔ مذکور را در برابر پیشنهاد سیگون راجع به «قطع جنگ» در ویتنام جنوبی که در محافل غرب وسیعاً پخش‌گردیده ، ابراز واظهارداشت : «پیشنهاد های مذکور در حقیقت هیچ چیز جدید ندارد و به هدایت مستقیم ایالات متحده امریکا تقدیم شده است .».نماینده مذکور این بیانات را طی کنفرانس مطبوعاتی که از وی تقاضا شده بود ،دربرابر «پلان ٦ فقره ای» رژیم سیگون ایراد کرد . نماینده جبهه‌آزادی بخش ملی در بیانات خود تاکید نمودکه‌بیانات وان تیو وفام دانگ لام « در واقعیت امر ازآنچه‌که ایالات متحدهٔ امریکا بیان داشته وپیوسته آنرا تکرار می نماید، کمترین فرقی ندارد. باینصورت نماینده رژیم سیگون تنها از اوامر واشنگتن اطاعت‌نموده تا بیاناتی‌راکه ماهیت آن قبلامعلوم گردیده است ،تکرار نماید». نماینده جبههٔ آزادیبخش ملی علاوه کرد: «همهٔ اینها به اثبات می رساند که آنها نوکران ایالات متحده اند ـ نوکران بسیار مرتجع وجنگ طلب. آنها به هیچ صورت طرفدار قطع جنگ در ویتنام جنوبی نیستند ، بلکه تنها از مردم ویتنام جنوبی می خواهند مبارزهٔ شانرا علیه‌تجاوز امریکابخاطر استقلال و آزادی ، قطع نمایند و باینصورت دست ایالات متحده امریکا را در ویتنام جنوبی آزاد بگذارند که به جنگ تجاوز کارانه خود ادامه دهد وقوای اشغالی خودرا برای مدت نامعلومی در آن کشور ،حفظ نماید .

آنها با این عمل خود بر ضد خواستهای مردم ویتنام جنوبی حرکت می نمایند و آرزوی مردم امریکا را برای‌صلح وخواست مردم جهان را (که‌ازایالات‌متحدهٔ‌امریکاقطع جنگ ظالمانه اش را در ویتنام ، بیرون کشیدن‌بدون قید وشرط تمام عساکرامریکائی‌ومتحدین‌آن‌راازویتنام جنوبی تقاضا می نمایندو میخواهند امریکا به مردم ویتنام جنوبی‌فرصت بدهد که مسایل خودرا خود شان طبق پروگرام سیاسی جبههٔ‌آزادی‌بخش ملی وبدون مداخلهٔ خارجی حل نمایند) نادیده می‌گیرند» .

جریان دموکراتیک خلق افغانستان بمناسبت روز ۹ـ اپریل تاثرات عمیق خودرا نسبت بحادثه‌المناك قتل‌عام دیر یاسین بدست صهیونیان‌و امپریالستان ، اظهار مینماید

ودرودهای‌پرشورخویش‌رابا ابرازهمدردی وهمبستگی پیگیر، بتمام خلقهاو مبارزان‌راه‌آزادی‌اعراب‌فلسطین‌وامحای آثار تجاوز(۱۹۶۷)اسرائیل تقدیم‌میدارد.

پرچم

دافغانستان دخلك دموکراتیك افکارو خپرونکی

۲۵ حمل ۱۳۴۸

رویدادهای مهم

جهان در هفته گذشته

۱۲هزار عرب در زندانهای اسرائیل

حملات تحریك‌آمیز اسرائیل برخاکهای عربی همچنان ادامه‌داشت . نمایندهٔ اردن ، خطاب به رئیس شورای‌امنیت گفت : باوجود تقبیح حملات هوائی اسرائیل از طرف شورای امنیت ، آنکشور بازهم به بمباران‌مناطق‌عربی میپردازد ،چنانکه دراثر حملات اخیر ۸تن عرب به قتل رسیده ، ۹ نفر زخمی شده ویك مدرسه ویك‌مسجد بکلی ویران گردیده است و همچنان سواحل کانال سویز ، مخصوصاً بندر توفیق را تحت آتشباری شدید قرارداده اند .

معاون صدراعظم ووزیر دفاع اسرائیل اعلان کرده‌اند که ایشان فیصله نامه‌های چهار کشور بزرگ را درمورد خاورمیانه رد مینمایند و قبول آنرا برای اسرائیل خودکشی می‌پندارند .

قوماندانی نظامی جمهوریت‌متحد عرب اعلان کردکه قوای توپخانهٔ اسرائیل روز (۲۰ حمل) بر شهر های‌مختلف‌آنکشور درامتدادکانال‌سویز آتشباری نمودند ، که توپخانه جمهوریت متحد عرب بجواب متقابل پرداخت . درنتیجهٔ این جنگ (۱۱) بطریه توپ ، (٤) عددتانك ، (٥) زره پوش ، (۲) محل ترصد و (٥) سرباز اسرائیل نابود گردید .

مقامات نظامی‌جمهوریت متحدعربی اعلان کردندکه بتاریخ (۲۲ حمل) تانکهای اسرائیلی باز بر مواضع عربی در شمال اسماعیلیه آتشباری نمودند و در اثر جواب متقابله قوای متحد عربی درامتداد کانال سویز (۳) تانك ، (٦) موتر و (۲) موتوریزه اسرائیل نابود گردید . جمهوریت متحد عرب نسبت‌باین‌تجاوزیادداشتی به شورای امنیت تقدیم کرد .

در جنگی که بین مردم نابلوس و عساکر تجاوز کار اسرائیل درگرفت، چهارتن از عساکر اسرائیلی بقتل رسید و همچنان پارتیزانهای عربی مواضع اسرائیل را تحت آتشباری شدید قرار دادند .

رادیوی جبههٔ آزادی‌بخش ملی عربی اطلاع داد که هم اکنون (۱۲) هزار عرب در زندانهای اسرائیل زندانی اند .

از مذاکرات چهار کشور بزرگ دربارهٔ شرق میانه که در مقر ملل متحد جریان دارد ، تاکنون کدام نتیجهٔ مثبت‌انتظاربرده شده‌نمیتواند.

جراید مراکش حین مسافرت پودگورنی رئیس شورای عالی‌اتحاد شوروی نوشتند : «مردم عرب‌یکبار دیگر پیوند های محکم خویش را با خلق شوروی بنیان گذاشتند ».

امریکا در راه پیشرفت کنفرانس

پاریس موانع ایجاد میکند

میرمن تی‌بین معاون رئیس هیأت جبههٔ آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی ضمن بیانیه‌ئی که در برگزاری‌مراسم (مارش صلح برای ویتنام) درپاریس ایراد کرد ، گفت : امریکا میخواهد کشورمارا بشکل پایگاه‌خود درآورد، ولی ما بمبارزه خود تاسرحدپیروزی برای اخراج سربازان امریکائی از خاك خویش ادامه میدهیم .

او اظهار داشت : اتحاد شوروی برای مردم ماکمك های بزرگی نموده است واین کمکها همچنان ادامه‌دارد، مانسبت باین کمکها صمیمانه سپاسگزاریم . امریکا در راه موفقیت کنفرانس صلح پاریس موانع ایجاد میکند و جهانیان را فریب میدهد ، ولی مردمان عاقل فریب نخواهند خورد .

او گفت : ما پروگرام خودرا که عبارت از استقلال ، صلح ، دموکراسی ، ترقی و پیشرفت است ، اعلان میکنیم و برای تحقق آن فعالانه مبارزه مینمائیم . سر انجام امپریالیزم امریکا به شکست مواجه خواهدشد .

درین هفته حملات چند هفته‌یی پارتیزانهای ویتنام جنوبی با موفقیت پایان یافت . مرکز ثقل حملات درین مدت شهر سایگون و حوالی‌آن بود. قوماندانی جبههٔ آزادیبخش ملی‌اعلان کردکه در ظرف بیشتر از یکماه گذشته (٥۲) هزار عسکر امریکائی و متحدین آن کشته ، زخمی و اسیر شده‌اند که از آنجمله (٤۰۰۰) نفر مربوط به عساکر تایلند ، کوریای جنوبی و استرالیامی‌باشد ، همچنان یکهزارو ششصد طیاره امریکایی در زمین و هوا نابود گردیده و دوهزارو نهصد زره‌پوش و یکهزارو چهارصدو چهل تانك امریکائیان از بین برده شده است .

مایك مانسفیلد رهبر اکثریت در ثنای امریکا به نکسن رئیس جمهور آنکشور اطلاع داد که باید از جنگ ویتنام جلوگیری شود و امریکا باید درقدم اول پنجاه هزارنفر ازسربازان خودرا از ویتنام خارج سازد .

درچند روز گذشته تظاهرات بزرگی علیه سیاست نکسن درامریکا صورت گرفته و تظاهر کنندگان سیاست دولت امریکا را در ویتنام تقبیح کردند .

تظاهرات واعتصابات

د رامریکا :

تظاهرات بزرگی از طرف مردم امریکا در شهرهای مختلف آنکشور علیه سیاست تبعیض نژادی ، جنگ ویتنام وعلیه نکسن صورت گرفت . تظاهر کنندگان بر نوارهای سیاهی که در سینه های خویش نصب‌کرده بودند نوشته بودند : «ارقام تلفات امریکا در ویتنام روز افزون است». درمتینگ بزرگی که در برابر کاخ سفید و عمارت وزارت دفاع امریکا صورت گرفت ، مردم فریادمیکردند: «جنگ پلیدویتنام رامحکوم‌میسازیم!». در شیکاگو مردم شعار میدادند «ماشین‌جنگی را ازحرکت‌بازدارید!».

در سان فرانسسکو وکارلینای‌شمالی مارشهای بزرگی علیه جنگ ویتنام انجام شد ، مردم فریاد میکردند : «سیاست امریکا همان سیاست (۱۲) هفتهٔ قبل حکومت جانسن است ».

در جاپان :

ـــ درجاپان علیه عقد قرارداد «امنیت مشترك» بین جاپان وامریکا تظاهرات عظیمی صورت گرفت ، شعار مظاهرات در شهر های مختلف جاپان چنین بود : «امریکا باید از جاپان‌خارج شود !» ، «امریکا باید اوکنیاوا را ترك گوید!»

ـــ مبارزات بهاری کارگران‌جاپان آغاز شد . بروز (۲۰) حمل (۳۷۰) اتحادیهٔ کارگری جاپان دست به اعتصاب زدند و (٦) نفر از روسای کارگران دستگیر شدند . بروز (۲۸) حمل اعتصاب سر تاسری کارگران جاپان صورت خواهد گرفت.

در ترکیه :

هزاران نفر محصل ترکیه علیه سیستم درسی و قوانین جدیدیکه ازطرق حکومت به پارلمان پیش‌شده دست به اعتصاب زدند .

محصلان تمام عمارات پوهنتون انقره را اشغال کرده‌اند . تعداد محصلان اعتصاب کننده به چهل هزار نفر میرسد . حکومت درب پوهنتون را بروی محصلان بست و آنرا تا خزان امسال تعطیل کرد .

تظاهرات محصلان وشاگردان

دردفاع از جوانان فارغ التحصیل لیسه ها

که ازتحصیلات‌عالی محروم‌مانده‌اند

متینگ وتظاهرات فارغ‌التحصیلان سال ۱۳٤۷ صنوف‌دوازدهم‌لیسه‌های ولایات و مرکز که علیه شرایط غیر عادلانهٔ کانکور شمول‌درپوهنتون بتاریخ ۱۳حمل آغاز گردیده بود وتفصیل مربوط بآن درشمارهٔ‌گذشته پرچم‌نشر شد، تاروزیکشنبه ۲٤حمل (که این خبر به چاپ سپوده شد) ادامه داشت. همچنان در سر تاسر هفته گذشته مظاهراتی از طرف شاگردان برخی ازلیسه‌های مرکز نیز به دفاع از خواستهای جوانان فارغ التحصیل محروم از تحصیلات عالی، صورت گرفت .

قرار معلوم تا کنون جواب قناعت بخشی‌ازطرف ریاست‌پوهنتون کابل و وزارت معارف برای جوانان فارغ التحصیل صنوف ۱۲ لیسه های کشور داده نشده است وآنها همچنان بی‌سرنوشت مانده‌اند، که البته اینوضع ناشی از پالیسی نادرست مقامات مربوط وزارت‌معارف میباشد .

اعتصاب و تظاهرات شاگردان

لیسه‌نجات ادامه دارد

اعتصابات و تظاهرات شاگردان لیسه نجات که دو هفته قبل آغاز گردیده بود، همچنان علیه سیستم درسی وسیستم امتحانات‌غیرعادلانه درآن لیسه وشیوهٔ نادرست معلمان آلمان فدرال دربرابر شاگردان‌وبرای تأمین برخی مطالبات دیگرصنفی‌شان تا روز یکشنبه ۲٤ حمل (که‌این خبر بچاپ سپرده شد) ادامه داشت، ولی به نتیجه ئی نرسیده است .

شاگردان وطنپرست لیسه نجات برای تأمین خواستهای صنفی‌خویش ازخود مقاومت‌نشان‌داده‌وبربی‌اعتنائی وروبه خشن مقامات مربوط وزارت معارف اعتراض میکنند. آنها تقاضا دارند که رفقای اخراج شدهٔ شان به لیسه باز گردند ومصمم اند که تاباز گشت آنان وتأمین خواستهای شان به مبارزه ادامه دهند .

از(ص‌اول)

زنگ خطر برای اهالی...

و منازل نزدیك نیز، جز این خندق‌های کثیف سر چشمه‌ئی ندارد .

ولی هیچ مقامی نیست که درین زمینه کوچکترین احساس مسوولیتی نشان دهد . ورنه‌میتوان این خندق‌راپرکاری‌کرد،برای‌کوچه‌ها آبرو های اساسی کشید ونل آبی برای مردم تمدید نمود وبه اهالی اجازه داد تابه ترمیم و اعمار مجدد خانه های فرسوده وقابل تخریب خویش بپردازند . اگر براستی تطبیق‌نقشهٔ جدید وتخریب عمومی این منطقه در نظر باشد ، چه بهتر که هر چه زود تر دست اندرکار شوند .اما نه به شکلی که مردم آواره و متواری گردند، برات قیمت خانه‌های‌شانرا ببال عنقا ببندند وبرای دریافت قطعه زمینی تعمیراتی روز ها وماهها سر گردان شوند ،اماآنانکه صاحب قدرت اند ‌وپول ،علاوه برقصر های فلك سای در بهترین موقعیت های شهر، باز هم مهاجتر (!) معرفی گردندوقباله جدیدی‌برقباله های دیگر بیفزایند .

ـ از برق وسایر وسایل زندگی شهری ازقبیل مارکیتها ،کودکستان، تیاتر ، سینما ، پارك وغیره که‌دست شسته ایم .مادر «پرتو» گروپهای «صد شمعه »از نور شمع نحیفی‌مدد میطلبیم ، توقعات دیگر که عذر های لنگ فراوانی دارد .

خبر نگار پرچم علاوه میکند که پرابلم مسکن و شرایط نامساعد زندگی در شهر کهنه به صورت عموم قابل توجه است . فقدان آب صحی آشامیدنی وفضای سالم‌تنفس، وجود مردابها و خندقها، عدم‌آبروهای اساسی وترتیبات و پرسونل تنظیفاتی وهمچنان احتمال سقوط بسیاری از منازل فرسوده که اکثر نزدیك به یك قرن ونیم از عمر آنها میگذرد ، شدیدا آرامش ، صحت و حیات مردم شریف شهر کهنه کابل را تهدید میکند و مردم جداً تقاضا دارند تا هر چه زود تر بحل پرابلم حیاتی مسکن درین گوشهٔ از نظر افتاده شهر پرداخته آید .

پدورد

مر حبا ای رهرو راه نجات‌خلقها !
میروی زی سر زمین دور .
زی خلق دلیر ،
زی فضای دشتهای نیمروز ،

* * *

شاد رو !
آزاد رو!
چون پیك توفان بیهراس ومسترو !
با امید فتح وبا قلب دلیر ،
بانبرد بی امان همدست رو !

* * *

بادشو ؛ باد غضبناك و وزان ؛
باد قهر آلود وباد بی امان ؛
باد توفانزای وباد بیکران ؛
بال بگشا در میان ریگها ؛
درمیان ریگهای خفته در خواب‌حزین ؛
در میان بندگان بی شعور مالکین ؛
درمیان تودهٔ وابسته با گاو وزمین .

* * *

نعره کش !
فریاد زن ،
فریاد توفان خیز زن ؛
نعرهٔ مستانه یی چون پیك رستاخیز زن ؛
توسن قهر وغضب را ضربت‌مهمیز زن ؛
در دل ریگ روان فریاد آتش‌ریز زن .

* * *

رعد شو !
برق غضب شو ؛
بحر شو ، گرداب شو ؛
ابر عصیانگر شو و تندر شووسیلاب شو ؛
بندگان مالکین را ؛
بندگان بسته باگاو و زمین را،
کشتگان یوغ استبداد و کین‌را ؛
از تلاش نطفهٔ توفان خبرکن !

* * *

در بیابانهای سوزان ،
درمیان ریگزار شاهد غارتگریها ،
در زمین رنج و مرگ و خودسریها ،
در فضای تیرهٔ وحشیگریها ،
آفتابی را بر افروز !
آفتابی آتشین را ،
آفتاب سرخ ‌پرچمدار رزم‌واپسین را ،
جاودانی مشعل خشم دهاقین‌در زمین را ،

* * *

لرزه ده !
روح نوین ده !
قدرت پیکار ده ،
روح بخشا ، نور ده ، نیروی‌آتشبار ده ،
بندگان مالکین را ،
بندگان بسته باگاو وزمین را .

* * *

شادی زی ؛ ای رهرو راه نجات‌خلقها ،
پیش رو !
سرمست رو !
این شعله ها بر دست رو !
در ره پیکار تا پایان بود وهسترو !

(سلیمان لایق)

دکاپیسا دغازی محمدعثمان دمنځنی ښوونځی شاګردان

وایی: ترڅو زموږ پیسی له‌محلی متنفذانو څخه‌وانه خیستل شی موږ به خپل اعتصاب

ته دوام ور کړو

دحمل له لسمی نیتی راپه دیخوا دکاپیسا دولایت دغازی محمدعثمان‌د منځنی ښوونځی شاګردانو لاس په اعتصاب پوری کړیدی .

شاګردان وایی چه محلی‌متنفذانو اود محل حاکم موږه موده پخوا له خلکو نه او همدا راز دا نارو له‌هری لاری نه‌دوه‌ـ دوه سوه افغانی ، دښوونځی او پله دجوړولو په پلمه واخیستی .دا پیسی چه‌لکونو افغانیو ته‌رسیدلی دی، لاتر اوسه پوری د اشخاصو په جیبونو کی پرتی دی‌او شخصی تجارتونه پی باندی کیږی . که‌څه‌هم دوخت‌حاکم‌اومحلی متنفذانو وعده کړی وه چه دښوونځی ودانی اوپله‌کار به ډیر ژر شروع‌شی،مګر لاتر اوسه چه‌یونیم کال‌دپیسوله‌ټولو نه تیر شویدی دتعمیرلوړی‌نه لګیږی اوپیسی په شخصی تجارتونوباندی هندوستان اوپاکستان ته وتلی دی . دغازی محمد عثمان دمنځنی ښوونځی شاګردان وایی چه ترڅودخلکود بسپنی پیسی له‌دی‌لیوانو څخه وانه خیستل شی ، موږبه‌خپل اعتصاب ته‌دوام ور کړو .

یادداشت:

قبلا پرچم ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان ، از هموطنان تقاضا کرده بود که اگراعتصاب ویامظاهره یی ازفهرست اعتصابات ومظاهرات ۱۳٤۷ (منتشرهٔ‌درپرچم)از نشربازمانده باشد،ما را ملتفت سازند.

دراثر همین‌تقاضا اولین یادداشت‌زیرین رابتاریخ ۲۱حمل ٤۸گرفتیم: «بهترین آرزوهای خود رابجریان‌دموکراتیك خلق افغانستان تقدیم نموده وموفقیت همه نیروهای‌مترقی‌را خواهانم.

۸۱ـ اعتصاب شاگردان لیسه‌جبل‌السراج که ازساعت ۸الی ۱۲ ظهر روز ۱۱ جوزا صورت گرفت وعلت آن تقاضای انفکاك معاون‌مکتب بود،»

م،ق

اتحاد احزاب مختلف سیاسی در پیرو

علیه امپریالیزم وارتجاع جهانی وداخلی

نکسن رئیس جمهور امریکا به کشور پیرو اخطار داد تا خسارات وارده بر کمپنی نفت امریکا راجبران نماید ، در غیر آن کشور پیرو به مجازات اقتصادی امریکا مواجه‌خواهد شد . وزیر خارجهٔ امریکا گفت : میعاد مجازات تمدیدخواهدگردید. منبع علاوه میکند که دولت پیروازین اخطار امریکا نخواهد ترسید و شجاعانه در برابر غولهای انحصارات نفتی مبارزه خواهد کرد .

احزاب کمونست ، ملی خلق و دموکرات‌مسیحی‌پیروباهم‌متحدشدند تا بعد ازین بضد امپریالیزم جهانی‌و ارتجاع بین‌المللی وداخلی مشترکاً ودریك جبهه مبارزه کند .

* * *

بن :

تاحال یکهزار نفر از صاحب‌منصبان آلمان غربی به حزب نازی شامل شده‌اند .

هلسنکی :

حزب کمونست فنلند پانزده همین کنگرهٔ خودرا شروع کرده است .

پرچم
ناشر اندیشه های دموکراتیك‌خلق افغانستان
هره دوشنبه‌خپریږی

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان لایق
آدرس : زرلښت مارکیت ـ محمدجانخان واټ، کابل ـ افغانستان
تیلفون : ۲۳۱٦٤

داشتراك بیه
په‌کابل کښی دکال: ۱۲٥ ـ افغانی
په ولایاتو او پښتونستان کښی دکال : ۱٤۰ «
په باندنیو هیوادو کښی: ۱٥ دالر
دجاری حساب نمبر به پښتنی‌تجارتی بانك کښی ۳۸٥۳
دیوی ګڼی بیه : ۲ر٥۰ ـ افغانی

مطبعه دولتی

سیستم انتخاباتی

از آنجائیکه سال جاری سال انتخاباتی دورهٔ سیزد هم شوری (پارلمان) افغانستان می باشد، لزوم آن دیده‌میشود که از سیستم انتخاباتی تعریف علمی موجزی صورت گیرد، تا هموطنان مابصورت کلی دربارهٔ باید یادآورشدکه سیستم انتخاباتی کنند.

باید یاد آورشد که سیستم انتخاباتی کشور (چه در قانون انتخا بات سابق وچه د ر قانون انتخابات جدید که در کمیسیون مشترك ولسی جرگه ومشرانو جرگه مطرح بحث است) نه تنها بر پایهٔ سیستم ضد دموکراتیك اکثریتی انتخابات استوار می باشد، بلکه اساساً تناسب نفوس نیز درنظر گرفته نشده است. مثلا بر اساس قانون جدید انتخابات که تاکنون مراحل آخری خود را تکمیل نکرده است، برای شهر کابل که در حدود پنجصد هزار جمعیت دارد یك نماینده و برای یك ولسوالی که بیش ازده هزار جمعیت ندارد باز هم یك نماینده در نظر گرفته شده است که این مثال خود نشاند هندهٔ ضد دموکراتیك بودن قانون جدید است.

ماتحلیلات انتقادی خود را راجع به قانون انتخابات ضد دموکر اتیك وضد آزادیهای مصرح در قا نون اساسی وبیانیه‌های مستدل فرکسیون پارلمانی خویش (فرکسیون پارلمانی دموکراتیك خلق افغانستان) را در ولسی جرگه در زمینه قانون انتخابات بغرض روشن ساختن بیشتر موضوع ارائه خوا هیم کرد. ولی اکنون بطور کلی صرف راجع به سیستم انتخاباتی بمثابه مقد مه تحلیلا ت مشخص بعدی از سیستم ضد دمو کراتیك و غیرحزبی انتخاباتی درکشور، معلومات مختصری ارائه میشود.

درکشور هاییکه پارلمان موجود است ودر حیات سیاسی آنها این موسسه نقشی را ایفاء مینماید، برای انتخابات نمایندگان اسلوب وترتیبات مختلف ایجاد شده که سیستم انتخاباتی نا میده میشود.

طبقات حاکمه ازین سیستمها و چگونگی عمل آنها (صرف نظر ازآنکه کار به تعویض صندوقها وپر کردن آنها با آراء تقلبی کشانیده میشود) باکمك قوانین و مقررات انتخاباتی طوری بهره برداری میکنند که ارادهٔ توده های رأی‌دهندگان تحریف گردد، پارلمان به زائده حکومت‌بدل شده و ارادهٔ تودهٔ مردم را منعکس نسازد.

مهمترین اشکال سیستم انتخا بات یابر اساس ملاك نسبیت یابر ملاك اکثریت استوار است. ملاك نسبیت یعنی آنکه حزب ویا جمعیت به‌نسبت آراء حاصله نمایندگان به پارلمان بفرستند. ملاك اکثریت یعنی آنکه حزب دارای اکثریت آراء کلیه کرسی‌های پارلمان‌را بخود اختصاص دهد.

سیستم نسبی انتخابات:

سیستم نسبی انتخابات، سیستم دموکراتیك تر است وخود اشکال مختلف دارد. میتواند سر تاسری کشوری، ولایتی، شهری و محلی باشد. برای روشن شدن مطلب کشوری را در نظر میگیریم با بیست ملیون جمعیت، ده ولایت، ده ملیون رأی‌دهنده و مجلسی (نمایندگان ـ ولسی جرگه) با دوصد عضو.

کاملترین نوع سیستم نسبی انتخابات در مقیاس‌سر تاسرکشوری اینست که هر حزب دوصدکاندیدای خود را معرفی میکند وبه نسبت آرائیکه‌بدست می‌آورد مثلا پنج‌ملیون، یادونیم ملیون ویادو ملیون یعنی‌نیم، یاربع ویاخمس‌آراء به‌همان اندازه یعنی نصف، یاربع‌ویا خمس‌کرسیهای پارلمان (یعنی صد کرسی، پنجاه کرسی یاچهل کرسی) مربوط به آن حزب خوا هد بود.

اما معمولا انتخابات در سیستم نسبی در چوکات شهر یا ولسوالی صورت میگیرد. اگر عدهٔ نمایندگان هر شهریاولسوالی منطقه نسبت‌رأی دهندگان ساکن منطقه باشد وبین مناطق تبعیض وجود نداشته باشد، درینصورت نیزبطور کلی خصوصیت نسبتی حفظ خواهد شد. مثلاهرحزب برای هرولایت بیست کاندید معرفی میکند وبه نسبت کل آراء حاصله نماینده به مجلس میفرستند.

در کشور های سر مایه داری‌برای تحریف آراء مردم حتی درصورت وجود سیستم نسبی، به حیله های گوناگون‌متوسل میگردند، مثلاتبعیض منطقوی قایل میشوند، یعنی معمولا مناطق وشهر های کارگری که‌دارای جمعیت زیاد هستند حق انتخابا ت کمتر نمایندگان را دارند.

حیله دیگر اینست که حدود حوزه های انتخاباتی راطوری تعیین میکنند تا یك منطقه کار گری که دارای رو حیه انقلابی است تجزیه میگردد وهر قسمت از آن در نواحی اطراف هیأت حاکمه که امکان‌مانوررا در آنجابیشتر دارد، گنجانیده‌میشود وبدین ترتیب آراء کارگران تحلیل میگردد. بهانهٔ دیگر اضافه کردن‌آراء باقیمانده کمتر ازحد نصاب باحزاب بزرگ به بهانه ایجاد اکثریت‌بزرگ است. مثلا اخیراً در ترکیه با این سیستم دو حزب عدالت وجمهوری‌ـ خلق توانستند بضرر احزاب کوچك کرسی های بیشتر بدست آورند.

سیستم اکثریت انتخابات

این سیستم بر پایه ملاك اکثریت صورت می‌گیرد که آنرا سیستم اکثریتی میگویند. دراین سیستم در هر منطقه‌وحوزه‌انتخابات، هر حزبیکه اکثریت دارد کلیه کرسیهای مربوط به آن منطقه راتصاحب میکند، بدین ترتیب حق دیگر احزاب ودستجات پایمال میشود و درپارلمان آراء رأی دهندگان منعکس نمیگردد. مثلا براساس همان نمونه ایکه انتخاب کردیم، کافی است که یك حزب در پنج ولایت‌ودرهر کدام پنجصدهزار، جمعاً دو ملیون و پنجصد هزار رأی بدست بیاورد واکثریت مطلق رادر پارلمان تصرف کند. زیرا بر پایه اکثریت در هر ولایت کلیه ۲۰ کرسی رابدست آورده و مجموعاً بایك‌چهارم حصهٔ آراء میتواند فر ماندار مطلق مجلس شود.

معمولا در سیستم اکثریتی انتخابات تقسیمات منطقوی وحوزه‌بندی بسیار کوچك صورت میگیرد وبرای‌تعیین یك نماینده یك حوزه انتخاباتی‌تعیین میشود که حصول چنین اکثریت و تصاحب‌کرسی توسط یك‌حزب‌بتر تیبی است که ملیون هارأی دیگر احزاب بکلی نادیده‌گرفته میشود. علاوه‌برین در سیستم اکثریتی تبعیض منطقوی را هم اضافه میکنند. یعنی بایك‌قانون انتخابات ضد دمو کراتیك یك‌منطقه کارگر نشین بسیار پر جمعیت ویك منطقه اعیان نشین ویا تحت تا ثیر حکومت اماکم جمعیت هردو یك‌یك حوزه انتخاباتی قبول میگردد.

نمونه‌بارز این نوع انتخابات و نتایج آنرا در فرانسه می یابیم مثلا در مرحله اول انتخابات طرفداران دوگول که ۴۷ فیصد آراء داشتند بیش از ۱۴۰ نماینده به مجلس فرستادند واحزاب دست چپی که چهل در صد آراء بدست دا شتند فقط شش نماینده به مجلس‌فرستادند درحالیکه اگرسیستم‌نسبیت‌تطبیق‌میشد ۳۰نماینده انتخاب میکردند. علت‌آن بود که در ۱۴۰ حوزه باسیستم اکثریتی نمایندگان‌دو گولیست‌پیروز شد وکلیه‌آرائیکه به‌نفع دست چپیها داده شده بود سوخت وفقط در آن شش حوزه که‌احزاب دست چپ اکثریت داشتند نماینده فرستادند. برعلاوه ده ها و ده‌ها نمونه است‌که یك نماینده دوگولیست باسه هزار رأی انتخاب شد، درحالیکه یك‌نماینده حزب کمونیست فرانسه‌برای انتخاب شدن ده الی پانزده هزاررأی‌ضرورت داشت و این‌هم‌خود نتیجه حوزه‌بندی تبعیض آمیز انتخاباتی بود.

در نتیجه این سیستم انتخاباتی در دو مرحله انتخابات فرانسه اکنون می بینیم که حزب کمونیست‌باچهار ونیم ملیون رأی یعنی ۲۰ فیصد آراء وارده ۳۴نماینده‌دارد، فدراسیون چپ‌با۴ ۱/۳ملیون آرأی وارده ۵۷نماینده دارد. درمجموع هر کاندید طر فدار دوگول معرف۲۷هزار رأی‌وهر کاندید حزب کمونیست‌معرف ۱۳۵ هزاررأی میباشد واین خود زادهٔ سیستم اکثریتی است که‌به اضافه حوزه‌بندی غیر دموکراتیك، موجب شده است احزاب طرفدار دو گول با اکثریت کمتر از نصف آراء بتوانند وبرسه حصه کرسی هارا در پارلمان بدست آرند حالانکه باهمینقدر آراء در یك سیستم نسبی و معادل، حزب کمونیست می‌بایست ۱۴۴ کرسی نه ۳۴ کرسی، فدراسیون چپ ۷۵ کرسی نه ۵۷کرسی و احزاب‌طرفدار دوگول ۲۳۰ کرسی نه ۳۵۸ کرسی بدست می آورند.

این سیستم انتخاباتی ونتیجه‌عمل آن به خودی خود ماهیت دموکراسی ادعایی به اصطلاح‌جهان آزادرانمایان میسازد. البته این‌فقط تحلیل تخنیکی سیستم انتخابات است وبایدبرعلاوه اینها سیاست ارعاب وسانتاژ وسوء استفاده هیأت‌حاکمه‌را از کلیه‌وسایل تطمیع وتهدید، دستگاه های‌تبلیغاتی ومحروم کردن نسبتی احزاب متر قی ازین دستگاه‌ها، دسته بند ی ها با دیگر احزاب مرتجع وغیره را در نظر گرفت وبرآن نفاق افگنی ها و ماجرا جوئیهای چپ‌نماها وعو امل دیگر را نیز باید اضافه کرد.

از (ص اول)

فرکسیون پارلمانی...

اقتصادی و مطا بـق به اصل دفاع از استقلال ملی‌درمجلس مطرح بحث قرار دهید و قضاوت کنید.

لهذا ایجاب مینماید که قر ضه‌های کشور صلحدوست که مثمریت آنها در عمل ثابت گردیده است مقیاس قرار داده شده و بر اساس آنها قر ضه های دیگر مطالعه گردد وهر گاه کشور های سرما یه داری حاضر به تادیهٔ قرضه به شرایط مساعد نگردند، باید هم حکومت‌وهم مجلس از اخذ و تصو یب چنین قرضه ها جداً صرف نظر کندومنابع مالی ومادی داخلی به شدت و به سرعت بکار انداخته شود. روی‌این دلایل بسیار کلی (ساده وارتجالی) یکبار دیگر ما قرضه های نا مساعد کشور های امپر یالیستی را اعم از امریکا، جاپان، انگلستان والما ن ومنجمله این قرضهٔ استهلا کی‌ده ـ ملیون مارك آلمان غرب راکه مطرح بحث مجلس است، رد میکنیم.

* * *

واقعاً مطابـق به موضعگیر ی فرکسیون پارلمانی دموکرا تیك‌خلق افغانستان، معیار هائی در زمینـه کریدت های‌خارجی در نزد حکومت وشوری وجود نـدارد و فقط اصل «بیطرفی» که دریـنخصوص هیچ مصداقی نمیتوانـد داشتـه باشد، «مراعات» میگردد.

ما معتقدیم که تا معیار ها نیکه صحت آنها در عمل در کشور مانیز ثابت گردیده است در موردکمکهای خارجی که بشکـل امـداد، قرضه واعتبار صورت میگیرد، مورد نظر وعمل قرار داده نشود، جلب‌هرگونه کمك وکریدت نا مساعد به نفع‌خلق وجا معهٔ مانیست.

ضرورت به استدلال ندارد، فقط اندکی تو جه بواقعیت های موجود درین زمینه نشان میدهد که کدا م قرضه ها واز کدام کشور هامساعد وکدام ها نا مساعد اند. بطو ر مثال قر ضه ایکه برای تمو یـل بعضی پرو ژه های پلان دوم ازآلمان غرب اخذ گردیده ربح آن از ۳ تا ۵ر۴ فیصد میرسد و شرایط تحمیلی یکجانبه را نیز در بردارد. برا ی پلان سوم قرار داد مربوط به اخذ قرضه ۵۰ ملیون مارك از آلما ن غربی قبلا توسط حکومات افغانستان وجمهوریت فدرالی آلمان به امضاء رسیده بودکه از جمله ده ملیو ن مارك آنرا واردات اموال استهلا کی از آنکشور تشکیل میداد. شرا یط قرضه طوری بود کـه حتی ولسی‌ـ جرگه با ماهیت کنونی طبقاتی‌خود باوصف اینکه ماننـد حکومتهای افغانستان معیار هـا وموازینی را برای تصویب قر ضه ها و تصنیف آنها ندارد، این قرضهٔ استهلاکی‌را رد کرد. قرضهٔ کوچك چهل ملیون مارك دیگر که معادل ده ملیون دا لر است علاوه بر شرایط دیگر از قرار سه فیصد ربح در سال قابل تادیه میباشد.

شرایط تادیه ونرخ ربح قرضه هائی که از حکومت انگلستان اخذ گردیده است، خیلی‌سنگین‌واسارت بار است. ازین قرضه‌ها بـرای احداث یکی دو مؤسسهٔ صنعتی وساختمان هوتل بین المللی استفاده گردیده است. نرخ ربـح کریـدت انگلستان اکنو ن از هفت فیصد هم تجاوز کرده است ودر سال های مابعد باز هم افزایش خواهد یا فت. زیرا بمشاهده رسیده که نرخ ر بح در «بانك انگلستان» بطور روز افزونی ارتقاء مینماید و مؤسسا ت مربوطهٔ کشور ما مکلف اند کـه نو سانات‌نرخ ربح «بانك انگلستان» را در امر تادیهٔ ربح قرضه درهرربع سال فقط در اثر یـك یـاد داشت مؤسسهٔ قـرضه دهنـده، تعـقیب نمایند.

با تجربه چند سال اخیره‌به‌اثبات رسیده است که کمکهای کشورهای سوسیالیستی از هر لحاظ مساعـد میباشند، چنانچه با استفاده از قرضهٔ ۲۳۰ ملیون دالری اتحاد ـ شوری در طی پلان پنجساله دوم‌کار های ارزنده ئی در زمینهٔ ساختمان اقتصادی کشور انجام شده است وعلاوتاً در حالیکه قسمت قا بـل ملاحظهٔ آنرا قر ضهٔ بدون ربح‌وامداد تشکیل میدهد، فیصدی ربح بقیهٔ آن‌خیلی نازلترازکشورهای‌سرمایه ـ داری است. همچنان قرضه جدید ۱۱۴ ملیون روبل (به اضافـه ۷۳ ملیون رو بل انتقالی) آنکشور نیز که بمنظور استفادهٔ ثمر بخش در امور مهم اقتصادی طی پلان سو م تخصیص داده شده است، دارای چنین شرایط مساعد میباشد.

برای درك بهتر مسأله شرا یط عمده واساسی برای جلب کرید ت های مسا عد خارجی را بشکـل فورمولبنـدی شـدهٔ زیر ین ارائـه مینمائیم:

- امداد و کریدت نباید با شر ط وتعهد سیاسی همراه باشد.
- در امور ساختمان بنیانی‌جامعه، درجهت ایجاد اقتصاد ملی، بـرای احداث مؤسسات بزرگ و مفیـد صنعتی و زراعتی وایجاد کادر های فنی بمصرف رسد.
- میعاد قرضه طویـل المد ت باشد،
- نرخ ربح نازل و شرایط تا دیه آن مساعد باشد.
- مؤسسات ساخته شده بطو ر کلی دارائی عامه باشد،
- اعادهٔ قرضه و ربـح آن باید از طریق صدور اموال به سیستـم «بارتر» صورت گیرد.

در خاتمه مابه قطعیت تمام اعلام میداریم تا و قتیکه منابع داخلـی وسیعاً مورد استفاده و بهره برداری قرار نگیرد، نمیتوان به تنها ئی بر پایهٔ استفاده از کمکهای خارجی وآنهم قر ضه های نا مساعد غربی، عقب ماندگی های دیرینهٔ جامعه را جبران نمود، رشد سریع اقتصادی را تأمین، اقتصاد ملی را ایجاد واستقلال اقتصادی کشور را حاصل گرد. باید علاوه کرد که کمك ها ی مساعد خارجی در امر تسریع این پروسه نقش عمده وار زنده را ایفاء مینماید.

لهذا انجام این امر مستلزم‌آنست که توأم با استفادهٔ وسیع وهمه‌ـ جانبه از منابع دا خلی، کمك های خارجی مساعدکشورهای‌صلحدوست بر طبق موازین بالامورد استفاده‌ثمر بخش قرار گیرد.

(دلمړی مخ پاتی)

مشترك درد او مشترك ملی...

هدفونو په خاطر خپل گوندی او اید یو لو ژیکی تعصبات یوی خواته نه کړو او دیو گړ آزادی بخشونکی پروگرام پر اساس سره متحدنشو، په یقینی ډول به په افغانستان کی هم دموکراسی، دایران، یونان او پاکستان او نورو ور ته هیوادو په سر نوشت اخته شی.

دهیواد او دنهضت گټی ایجابوی چه باید یوه شیبه هم په سیاسی ډلو کی دننه او دسیاسی ډلوترمنځ، ددښمنانو لـه دسیسو او تفرقـه اندازیو څخه غافل نشو او په ډیره هوښیاری او احتیاط سره خپل‌کار او خپلو مبارزوا ته ادامه ور کړو، په خپلو منځوکی دنیږدی همکاری‌اتحاد او یووالی امکانات ولټوو.

تر کو مه ځایه چه په موږ پوری اړه لري لکه چه تـل مو ویلي دی دلته بیا په ډاډه سره وایو چه دخپلو مسلمو اصو لو پـه بنا او دگرا ن افغانستان دلو ړو مصالحو او گټو په خاطر، دملی خپلواکی، ملـی حاکمیت، دخاوری دتمامیت او پـه پای کی ددموکراسی دتحقق اوتأمین دپاره نه یواځی دهیواد له ملي او دموکراتیکو قو تونو سره دگډ و دښمنانو په مقابل کی دهمکا ری، اتحاد او یو والی ناره تائیدوو، بلکه چمتو یو چه پدی لاره کی لوم ړی عملی‌گام هم او چت کړو.

موږ دهیواد له هر هغه قوت‌سره چه په صمیمی ډول هیواد ته‌دخدمت غوښتونکی وی، دارتجاع، استبداد او امپریالیزم دښمن وی «همکا ریو او ځان ور سره په یوه جبهه کی بو لو».

خو مو ږ چمتو نه یو چه د ځینو مغرضو او بی پرنسیپو کسانو ددغه خود خواها نه نظر په اساس‌چه‌وایی «خپل نوم بد ل کړیء او خپله پو له معلومه کړیء او که نه نو له هر ارتجاعی اومخرب قوت سره به دځان دتثبیت او ستاسو دتخریب دپار ه متحد شو» له هر مخرب، مرتجـع او ضد ملی قوت سره لاس یو کړو. اوددغی شان ناپاك اتحاد به واسطی نهضت متضرر کړو.

مو ږ (د افغا نستا ن د خلك دموکراتیك) قوت دخپلو عالیه‌اصولو په رڼا کی، دافغا نستان دخلکو او دعمومی نهضت دمصالحو پر بنابیا هم دهیواد ټولو ملی، دمو کراتیکو، مترقی، رښتینو هیواد پا لو نکو او آزادی غو ښتونکو قو تو نو ته بلنه ورکوو چه راشی د حد اقل گـډو وجوهاتو دپیداکولو داصل‌په‌اساس، دخپلو له ویاړه ډ کو ضد استبداد، ضد ارتجاع او ضد امپریالیزم‌مبارزو په خاطر دااتحاد، اتفاق او یو والی په‌لار کی عملی گا مو نه واخلو. دا دوخت تقا ضا ده، دا دافغانستا ن دمحرو مو، بی وزلواو تر ستم‌لاندی خلکو دگټو غو ښتنه ده.

موږ په ډانگ پیلی وایوچه هـر څوك او هر قو ت چه پـه نهضت کی دننه انشعاب او افتراق تشویقوی، دملی او دموکراتیکو قوتونو تر مینځ دهمکاری، اتحاد او وحدت په‌لارکی خنډونه او مصنوعی موانع منځ تـه راولی، هغوی دهیواد، دخلکو او دنهضت دښمنان دی او دهغو ی په مقابل کی مبارزه دهر شریف، وطن پرست‌اوآزادی‌غوښتونکی‌وظیفه‌ده.

از (ص اول)

۴۰۰ تار از بر...

مثلا با آنکه سایر دستگاه هـای کوچك نساجی و بافندگی کشو ر مواد خام خود را از خارج می‌آورندو به کار گران در بدل بافت هر متر تکه یك افغانی مزد میدهند، باز هم یك متر تکه سندی و کتان به قیمت ۱۸ تا ۲۰ ـ افغانی عرضه میگردد.

درینجا سوالی پیدا میشود: باوصف آنکه مواد عمده اولیه فابریکه ها ی نساجی افغان در داخل کشور تهیه میگردد و در برابر هر متر تکه‌صرف ۱۸ پول به بافنده و۱۸ پول به شعب دیگر مزد پرداخته میشود، پس از چه‌رو بعضی تکه‌های رنگه وراه دار نساجی به قیمت ۲۵ تا ۲۸ ـ افغانی فی‌متر به بازار ها عر ضه میگردد؟

سرمایه داران دلال افغانستان به این نفع سر شار نیز سیر نشده واز دو سال به این طرف طرحهای‌دیگری ریخته اند، به این معنی که جنیست تکه ها را از نظرکیفیت ودوام بزیان مردم تغییر داده اند. مثلا دو سال پیش در طول یك متر تکه ۲۲۰۰ تار و در عرض آن‌نیز ۲۲۰۰ تار بکا ر میرفت اما کار فرمایان فابریکه‌اکنون رندانه‌۴۰۰ تاراز درازی و ۴۰۰ تار از بر میزنند و به این حساب دریك متر درست ۸۰۰ تار کمتر از سابق بکار میبرند که طبعاً این صرفه ـ جوئی (!) به نفع سهمداران بزرگ وبه زیان مستهلکین می انجامد.

شاید در برابر این‌امر کار فرمایان نساجی پاسخ هائی راجعل کنند و دلایل واهیی را ارائه بدارند، ولی بزرگترین وروشنترین دلیل برسود ـ جوئی صاحبان دستگاه های نسا جی موجود کشور همانا سرمایه ها ئی بشمار میرود که از خون جگر و نیروی بازوی هزاران‌کارگر زحمتکش اندوخته شده وده ها برابر سرمایه ابتـدا ئی آن میبا شد. چنا نچه بر طبق اظهار عبدالمجید زابلـی سوداگر و سهمدار بزرگ نساجی دربیانیه اشکـه درماه سنبلـه سال گذشته در مجمع عمومی سهمداران شرکت نسا جی ایراد کرده بود، مؤسسه نساجی از هیچ شروع‌بکار کـرد و این «هیچ» اکنو ن مبدل به ۶۲۹ر۶۸۹ر۸۶۹ ـ افغانی‌سرمایه‌تادیه شده‌وعلاوتاً ۸۰۷ر۵۶۱ر۳۰۰ ـ افغانی ذخایر ومفاد توزیع ناشدهٔ شرکت گردیده است. طبق‌متن‌بیانیه نامبرده، با درنظر گـرفتن قیمت تمام شد وارزش تأسیسات شرکت در حـال حاضر این دو رقم متذکره دربالا، بیشتر از سه چند خواهد بود، یعنی به اینحساب ذخایر ومفاد تـوزیـع ناشدهٔ شرکت نساجی به پیشتر از ۳۵۰۰ ملیون افغانی میرسد.

۲۷ سال قبل تنهافابریکه نساجی پلخمری تأسیس گردیده بود، اما امروز شرکت نساجی‌افغان به قیمت رنجهای عظیم زحمتکشان نساجی که نشاط و طراوت جوانی خودرا در دشوارترین شرایطی ازدست‌داده‌اند، فابریکه‌بزرگ نساجی گلبهاربوجود آمده‌است ودرده‌ها موسسه‌دیگرسر‌ـ مایه‌گذاری‌شده‌وثروتهای‌هنگفتی در آپارتمانها، باغها، سرای ها وغیره دفن گردیده است.

لهذا حقایق نشان مید هد کـه شرکت نساجی نیز مانند هرموسسه سرمایه داری دیگر از طریق‌استثمار بیرحمانه کارگران زحمتکش وتعیین قیمت ها طبق دلخواه بسود سرمایه و زیان مستهلکین، سرمایه هـا ی بزرگی را اندوخته است و اکنون‌یك بار دیگر به بهانه هاوحیل گوناگو ن، با استفاده از وضع انحصاری که‌در قسمت فروش صحن‌رنگه دارد و عدم نظارت وبی اعتنائی مقامات مربوط حکومتی قیمت های فروش رابالابرده است، تا بدینوسیله بیش از پیش بر سرمایه خود بیفزاید وبا ارائـه دلایل غیر واقعی وجعلی، در زمینه تصویب ولسی جرگه رانیز اغفـال نماید.

د دیارلسمی دوری انتخابات

باید خلك بیداروی!

زموږ دهیواد په شورا کی لیدل‌شویدی چه:

- ځینی نمایندگان داجلاس نه‌غائب په کور کلی کی گر زی او یاپخپل تجارت پسی‌ورك وی.
- ځینی په پارلمان کښی نا ست‌وی او خوبونه کوی.
- ځینی دحکومت په‌هره خبره که‌سمه وی او که غلطه آمنا او صد قنا وا یی.
- ځینی له حکومت سره ترهغه‌وخته مخا لفت کوی چه خپلی گټـی تر لاس کړی.
- ځینی چه خپلو سیمو ته په‌رخصتی‌ځی، دحا کما نو سره ملگری شی‌او خلك لوټوی. حتی کله دمر ستی په‌نوم دخلکو له‌خوا حکومت ته ذمه‌وهی اوپه بیوز لومو کلانو باندی‌بیگاراچوی.

البته دا سی وطنپال و کیلان هم‌په‌شوری کی شته دی چه غواړی پخپل‌ټول قوت خلکو ته خدمت و کړی مگر په‌اقلیت کی وی.

ددی لپاره چه زموږ دگران هیواد زیات خلك لاتراوسه پوری دمتنفذا نو او ناوړه عنا صرو تر نفو ذ لاندی‌دی، ډیر ځله خپل دو ستان نه پیژنی او دا سی کسا نو ته رأ یه‌ور کـوی چه‌هغوی ددوی نه حا صل کړی‌قدرت بیرته ددوی پر ضد استعما لوی.

اوس‌نود ټولووطن پالو، ملی او مترقی عنا صرو او قو تـو نو کـه وظیفه ده چه‌په انتخاباتو کی اسا سی قوت (خلکو) ته متو جه‌شی. هغو ی ویوهوی اود شوری په‌اهمیت اود وظا ئفو په څرنگوا لی یی پوه کړی. که چیری وطنپال منورین خپله‌دغه مهمه وظیفه په‌نظرکی و لری خامخا به دوطندوستو و کیلانو تناسب‌په راتلونکی شوری کی زیات ی شی.

پدی پیړی کی چه‌د را کټ او ا تم زمانه یا دیږی، دشرم وړخبره ده‌چه خلك‌دا سی نما یند گان و ټا کی کوم چه‌ددوی دمصا لحو او گټو پر ضد عمل کوی.

په کوم‌هیواد کی چه‌دخلکو (رأ یه) غلطه استعمال شویده، او پا رلما ن‌ته مفاد پرست‌او نا اهله وګړی‌لیږل شویدی، نه یوازی عوام په‌مشکلا تو اخته شوی بلکه دوطن عا لی منا فع هم په‌خطر کی لوید لی دی.

هیله‌ده چه‌زمونږ خلکو له تیرو انتخاباتو اود او سني پا رلمان له څلور کلنی دوری‌نه سمه تجر به اخیستی‌وی او له دی تجر بی نـه درا تلو نکو انتخابا تو په با ب سمه استفاده وکړی.

باید زموږ خلك په‌دی‌پوه شی چه را تلونکی انتخابات دیو ستر امتحان په حیث ددوی مخ ته پرا ته‌دی. دنیا او بیا په تیره سیال ملتونه په‌دی‌ډگر کی زمونږ د خلکو ننداری ته ولاړدی باید زمونږ‌خلك له‌دی آزموینی څخه سر لو ړی تیرشی. تر څودافغانستان په اوسنی تیاره وضعه کی څه‌نه څه دڼا لوری پیدا شی او د سا لـمی دمو کرا سی دتطبیق زمینه مینځ ته را شی.

محمد یعقوب زمانی دکنړ څخه

به وضع تأسف آور ولسوالی

رستاق توجه نمیشود

از آنجائیکه ما موران عالی ر تبه‌ومسؤولان امـور (!) مخصـوصاً درولایات دور افتادهٔ کشور، بهمدستی ارباب وعناصر متنفـذ محلی فـقطمصروف پرکردن جیبها و تـا مین‌منافع شخصی خویش اند، حتی برای یك لحظه هم‌بخیروبهبود وضع‌مردم نمی اندیشند وبمسایل حیاتی خلق، و لو بو سایل خیلی هم‌ساده حل شده بتواند، نمی پردازند.

ولسوالی دورافتاده رستاق وخلق‌زحمتکش آن یکی از مظا هر برجسته‌این شیوهٔ غیر عادلانه عمال دولتی ومتنفذان محلی آنجاست.

- درین ولسوالی سرکهاوشوارع‌عمومی از آوانیکه بو جود آ مـده، تاکنون لااقل دو بار تر میم نشد ه است، با آنکه در اثر سیلابهای فصلی بیشتر به سنگلاخی ما نند است تا سـرك. مقا مـات مسؤول چندین بار بنام ترمیم سرکها خلاف‌قانون از مردم پول‌جمع آوری‌کردند، معهذا نه از آنهمه پـول اثـری در سرکها دیده می شود ونه امر ی بنام تر میم سرك بچشم می‌خورد.
- فقدان لایحهٔ ترا فیکـی و عدم کنترول کرایه حمل ونقل، خودسری واضافه ستانی موتر داران، برمردم بیداد میکند.
- ازتعمیر لیسه، لیسـه ایکـه سال گذشته باتبلیغات پرسر وصدا وبا طمطراق خاصی افتـتاح شـد وتاکنون‌از مـواد درسی ومعـلما ن اساسی در آن کفایتی دیده نمیشود، همچنان ویرانه مانده و با وجودآنکه تاکنون دوبار بعنوان تعمیر لیسه(!) از اهالی پول جمع آوری شده، اما در ودیوار فر سوده ودر حال‌انهدام آن هما نست که بود.
- دیر زمانیست که مردم‌این دیار بامید شفا بخشی (!) شفا خانهٔ ده بستری که باین ولسوالی داده‌شده، فشار درد و رنج امراض گوناگونی را تحمل میکنند. اما امر تحقق آنرا بـه اصطلاح بـه شاخ آهـو بسته اند که گویا نام و امیدش‌برای صحت مردم کافیست(!)، زیرا نه از تعمیر ونه از بستر آن اثری‌بملاحظه میرسید.
- چون شهر کهنهٔ رستاق همـه ساله تحت تهدید سیلاب قراردارد، سال‌گذشته وزارت مربوط، نقشه‌ئی برای اعمار شهر جـدید در محل مصئونتری ترتیب وبرستاق‌فرستاد. اما نقشهٔ مـذکور را بـتاق نیسا ن گذاشتنند، زیرا یك عده از اربا ب نفوذ محلی در شهرکهنـه سرایها ودکانهای فراوان دارند و تخر یب وترك آن، تا اشغال مواضع جد ید، بـه عـوا یـد سر شار شا ن ازین ناحیه صدمه میزند، بنابر آن همیشه مانع تطبیق نقشهٔ شهرجدید رستاق می شونـد و هر گز بایـن نمی اندیشند که روزی تمام مـردم بلاکشیده این سر زمین‌را سیلابهای فصلی بکام‌امواج بیرحم خو یش‌فرو خواهند برد.

راحت رستاقی

درد ها شکایتها واعتراضات خلق

د ننگرهار د کانال له کارگرانو سره بی عدالتي او زیاتی کیږي

موږ دننگر ها ردکانال کار گران چه زیاتره مو نه ۶ـ۷ او حتی اتم ټولگی نه و تلی‌یواوبیا مو دننگرهار دکانال په‌پروژه کی اختصاصی فنی کورسونه تمام کړیدی، دکارفرمایانو له سختی بی عدا لتی سره مخا مخ یو. ځینو کار گرا نو چه دپروژی له شروع نه‌تراوسه‌پوری دوطن‌دآبادولو په‌نیت هر راز زحمتونه گاللی‌دی، لاتراوسه پوری نه دډ جی‌او نـورو حقو قو څخه محروم پاتی شویدی. کله چه کار گران ددرجی داخیستلو لپاره لو ړو (!) مقامو نو ته عر ض او شکایت کوی، هغوی دبود جی د کموالی عذر وړاندی کوی. خو کله چه‌کو م لوی یاکمکی مدیراویاکوم‌بل مامور ته دترفیع‌وار ورسیږی، هلته بیادبودجی مشکل‌نشته اولکه گړندی موټر په پیچومی خیژی. لنډه دا چه هغوی ته هر وخت بودجه‌شته او موږ ته هیڅکله نشته.

زموږ له معا ش نه دصحی بیمی پیسی هم گر زول کیږی خو په‌مقابل کی‌بی‌مناسبه تداوی نه کیږی، داسی ډیر شویدی چه دډیرو جدی مرضونو په مورد کی، هماغه‌وړیا اودکارگرانو تخصیصی دوا (پین‌پوډر)، ور کړل شویدی. مگر کله چه دمیز اوادارو خاوندان نارو غه شویدی نو که په سپرین بنه کیدل دوی ویټامین اود قوت پیچکاری هم‌ورسره ورکړیدی.

هغه فنی کار گران چه دپروژی له کورسو نو څخه راو تلی اونین دی شپږ کاله یی‌له خدمت‌نه تیر شویدی لاتراوسه یوه تن هم‌رسمی رتبه‌نده اخیستی. کله چه کارگران له‌کا ره ایستل کیږی، سره له‌دی چه دتقاعد پیسی یی له‌معاشو نو څخه گرزی، دتقاعد حقوق نه ور کول کیږی. او البتـه داسی ډیری نوری حق تلفی هم له موږ سره کیږی.

موږ هیله کوچه دپروژی ریا ست دی‌دکار گرانو په مورد کی‌دا ظلمونه پای‌ته ورسوی کنه نو موږ به دخپلو مشروعو او قانو نی‌حقوقودحاصلولو لپاره په‌کار گری‌اعتصا بو نو لا س پوری کړو

ی. کار گر

پخته کاران ولسوالی سرپل

شبرغان برشرکتهای صناعتی اعتراض میکنند

دهقانان زحمتکش وستمد یـده‌ولسوالی سر پل از خریداری پخته توسط شرکتهای صناعتی بلخ اظهارعدم رضائیت میکنند.

دهقانان میگویند که شرکت درسال ۱۳۴۷ در قیمت پخته ۲۰فیصد افزایش راقبو لدار شده بود ولی این‌افزودی بجای اینکه بدرد دهقـانـان بخـو ر د، باعث تـکـلیف وانز جار مزید دهقا نا ن میشود، شرکت در مقابل پخته پـول نقدنپر داخته، بلکه دهقانان را مجبور می نماید تا بجای پول نقد از دکان‌یك ملاك متنفذ کالا خریداری نمایند که البته کالای مذکور دوچند وگاهی‌سه چند قیمت اصلی فروخته‌شده، افزودی نام نهاد قیمت نیز بجیب‌همان ملاك که خود سهیم شرکـت میباشد فرو میریزد.

اگر دهقا نان خوا هان فـروش‌پخته در مقا بل پول نقد باشنـد باید ما هها انتظار بکشند. پخته‌کارانی که ماهها قبل پختهٔ خود را بشرکت تحویل کرده اند، تا حال‌پول آنرا دریافت ننموده اند، امادر عوض ملاکان پخته کار (!) حتی قبل‌از تحویلی پخته بدر یافت قیمت‌آن موفق شده اند.

دهقانان پخته‌کار ازشرکت وملاك‌متنفذ شکایت میکنند و خوا هـان آنند تا دست ملاك بزرگ هر چه‌زود تر از سر شان کو تاه گردد.

ح، طغرل

مردم دهانه غوری از فقدان

زمینه مساعد برای تعلیمات بالاتر شکایت دارند

دهانهٔ غوری که یکـی از نقاط پرنفوس ولایت بغلان است ومکتب ابتدائی آن نیز سابقهٔ طولانی دارد، چه‌گناهی را مرتکب شده که ازنظر لطف(!) والاشانـها افتا ده است‌وانداك گوشهٔ چشمی هم بـه آن معطوف نمیدارند؟ درین‌منطقه یگانه‌مکتب ابتدائی از عمر یـك نسل سالخورده تر است، معهذا همیشه‌رای مـا همان آش‌است وهمان کاسه!

بروکراتان مسؤول (!) که همواره‌از معارف متوازن (!) دم می زنند، باین امر حیاتی‌مردم توجهی‌نمیکنند، در حالیکه مردم دهانهٔ غوری‌تکالیف زجردهنده ئی دربرابر دولت‌برخودهموار نموده اند.

زحمتکشان روستائی دهانهٔ غوری‌مخصوصا لـلم کاران ایـن منطقه صدای اعتراض خودرا برین رو ش‌غیر عادلانه مقا مات معارف بصو رت خاص ودستگاه حاکمه بصو رت عام‌بلند میکنند وتقا ضا دارند: بایـد بمعارف دهانهٔ غوری توجه شود!

م. شریف. از دهانهٔ غوری
ولایت بغلان

دهقانان زحمتکش ولسوالی چهاردهی از کمبود

آب شکایت دارند

به‌ناشر اندیشه های دموکراتیك‌خلق افغانستان، پرچم!

ولسوالی چهاردهی کابل، که یکی‌ازمناطق زراعتی، آنهم نزدیك‌ترین‌منطقهٔ زراعتی بکابل است، حتی‌درین فصل بهار بقلت آب‌دچار میباشد.

وزارت زراعت وآبیاری که‌تبلیغات‌بدون محتوی‌آن درمورد بندهای آب‌گردان، احداث نهرها، حفر چاههای عمیق وپخته‌کاری سربند ها گوش‌هارا کرساخته است، اصلادرین موردد‌لچسپی ندارد وآن فعالیت‌ها راکه می‌باید درمورد آبیاری زمین‌ها انجام بدهد، درنشرات وتبلیغات اغفال کننده ورادیو درا مهای خنده آور و مضحك انجام میدهد.

علاوه برکاریز ها وغیره منابع آبی، دریای پغمان وکابل نیز از وسط زمین های چهاردهی میگذرد، اما نسبت وجود شرائـط فرسودهٔ فیودالی وعدم احساس مسؤولیت از طرف وزارت زراعت وآبیاری ونفوذ طبقات ستمگر درین ناحیه، همواره قلت آب رونماست، حتـی درفصل بهار که‌پرآب ترین موسم سال است نیز این قلت دیده میشـود. ایـن بخاطر آنکه بندهای زیگی وگلینی که‌مردم بزور بازو وابتدایی تریـن وسائل اعمارمیکنند، هنگام آب‌خیزی ازبین میرود وزمین های زراعتی‌درین منطقه بی‌آب می‌ماند.

دهقانان زحمتکش چهاردهی که تحت شرائط کمرشکن زندگی قرار گرفته اند، بروزارت زراعت وآبیاری اعتراض میکنند وجداًمطالبه مینمایند تابرای زمینـهـای تشنهٔ شان آب فراهم گردد.

م. هـ. روستا

د کامی زده کونکی د حکومت په بی غوری

اعتراض کوی

دا فغانستان دخلك دمو کرا تیك‌افکارو خپروونکی پر چم ته!

دا څر گنده‌خبره ده چه‌دافغانستان‌دپوهنی شا گردا ن برسیره پر دی‌چه‌دزده‌کړی کافی‌وسائل نلری، په ځینو سیمو کی حتی درسی کو ټی‌او ټو لگی‌هم نلری. دکا می داخند کلی‌او لنډه بوچ‌لومړنی ښوو نځی زده کوونکی چه اکثریی دبز گرانو اوبیوز لوخلکو زامن دی، لاتراوسه‌پوری‌په جوما تونو کی درس وا یـی. دجوماتو نو شرائط دا سی دی‌چـه‌شا گردان په‌ژمی کی له‌یخنـی نه‌ریږدی او‌په پسر لی کی دننگرهار تاوده لمر ته درس لو لی‌او زیا تره ناروغه‌کیږی‌اوورانبیږی (ضعف کوی).

ددی شا گر دا نو له غر یبو اوبی وزلو پلرونو څخه څو ځلی‌دښوونځی دتعمیر په پلمه رو پی را غونـدی شویدی، مگر پدی پیسو با ندی لا هما غه مو عود مکتب ندی جو ړشوی اودمصرف مد رك یی‌هم ند ی معلوم. ځینی خلك‌وایی چه‌دا رو پی هما غو پخوانیولیوا نو نوش جان کړیدی.

دسیمی‌خلکو څو څو ځله، ددی پیسوپه باره کی حکومت‌ته شکایتونه اوعرضونه وکړه، خو څوك غوږ ورته نه نیسی مکتبونه هماغه مکتبونه دی او پیسی دشیطان (!) په‌رواتللی‌دی.

موږ دا فغانستا ن دقبیله و ی او فیو دا لی نظام پردی رویی با ندی سخت اعتراض کوو او کور ورا نی ورته وایو.

هیله کوو چه‌زموږ دغه اعتراض په پرچم کی چه‌دا فغانستا ن دخلکو خدمتگاردی نشر شی.

ا ـ ر ـ کامهوال اوملگری

شاگردان لیلیه امیرشیرعلی خان از شرائط لیلیه شکایت دارند

این نامه را از لیلیهٔ امیرشیر علی خان، واقع شهر مزار ولایت بلخ به پرچم ناشراندیشه های‌دموکراتیك خلق افغانستان تقدیم میکنم.

مادر تعمیری زندگی میکنیم که‌در جنوب غرب روضه موقعیت داشته و در زما ن امیر شیر علی خان، به منظور حفظ خزائن حکومت بناشده بود. دیوار های آن ۸ الی ۱۰ متر بلند بوده و دارای تیرکش ها ئـی است که یادی‌از بزن وبکش‌های‌همان وقت میدهد. سطح زمین لیلیه از سطح‌محیط اطراف آن۵ر۱ـ الی ۲متر پائینتر است. عمارت لیلیه را یـك اتاق نانخوری وچهار اتاق خـوا ب تشکیل میدهدکه‌در هراتاق از۹۰الی ۱۰۰ چپرکت دو منزله گنجانیده‌شده است. آفتاب برین اتاقها حـرا م است وهـوای آزاد هم نـدارد. رطوبت، تاریکی و بد بویی و اقسام حشرات همراهان دائمی این اتاقها میباشد، بیت‌الخلاء نیز درجوار لیلیه واقع بوده وآن امراضیرا کـه لازم آنست به لیلیه انتقال میدهد. شاگردانیکه تحت اینگونه شرایط قرار دارند، طبعا از نعمت صحت محروممند و نشاط طبیعی خود را از دست داده اند.

علاوه برین، شرایط اباته واعاشه خیلی نازل است وآنچه رابـنـا م استحقاق اعاشه به شاگردان منظوری داده اند، به صورت کامل‌و درست به شاگردان نمیرسد. وبالفرض‌اگر یکی از شاگردان برنان، گو شت ویا روغن انتقاد نماید حتماً بـجـرم «سیاسی» مورد بازخواست و تحقیق قرار میگیرد.

مابرین شرایط نازل که قابلیت درسی شاگردانرا صدمه مـیزنـد و صحت جسمی و روانی ایشانرامختل می سازد اعتراض‌میکنیم. ما ازاولیای امور معارف میخواهیم‌تاهر چه‌زودتر، شرایطی را که حداقل برای‌شاگردان درین عصر موردنظر میباشد، تطبیق ورعایت کنند.

م. ن. از لیلیهٔ امیرشیر علی‌خان

دسپین بولدك دسرحدی سیمو خلك دتندی

له خطر سره مخا مخ دی

دسپین بو لدك دسارایی سر حدی سیمو او سیدونکی سر کال د تندی دخطر تر تهدید لاندی را غلی دی.

ددی سیمو خلك چه لـه سپین بو لدك نه تر شوراوك پوری پراته‌دی پخوابه یی له هغو ژورو خا گانو څخه اوبه چښلی‌چه له شپیتومترو‌ژوروالی څخه به‌یی په‌او ښانو او نوروبودگانو باندی را ایستلی. مگر سږ کا ل‌پدی سیمه کی کافی بارا نونه‌ندی شوی اوله دی کبله د خاگانو اوبه‌کمی‌شوی اودمطلقی وچوبی‌خطر زیات شویدی.

لا تراوسه چه پسر لی‌اود او بو مو سم دی، خلك دتندی‌ اومرگ له ویری‌پدی سیمه کی، خپل ټا ټوبی او مینه ځایونه خوشی کوی او نورو سیموته کډه کوی.

ددی سیمی‌دخلکوژوند دافغانستان په‌معیارکی له ډیر و سختیـو او بدمر غیو نه ډك ژ وند دی. هغوی‌ته نه‌یوازی حکومتونو هیڅ‌خد مت ندی کړی، بلکه تل‌یی ځو رولی دی.

په‌او سنیو شرا ئطو کښی چه دافغانستان دهر فیو ډال او بروکرات په‌کورکی دنلونو فواری روانی‌دی‌اوپه هرپوله او باغچه‌کی‌یی شنی‌ویا لی بهیږی، ددی سیمی دخلکو پرا خی پر گنی لاتراو سه دچښاك له پا ره کافی اود داو ړو اوبه نه لری.

موږ په‌کلکه سره دا فغا نستا ن پر حا کمه طبقا تو باندی له‌دی کبله اعتراض کوو.

م. ش. ظ. له سپین بولدك‌نه